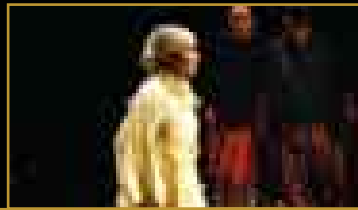
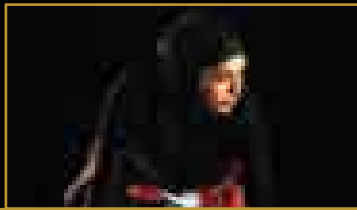


بهرام، بهداد و باران کوثری در تئاتر «سگ، سکوت» تئاتری از جنس وحشت و ترس را تجربه می‌کنند؛ عکس: ساتیار امامی



پانته آ بهرام از حضور ستاره‌های سینما روی صحنه می‌گوید

## در تئاتر، چهره‌ها دیده نمی‌شوند

مهدخت اکرمی - نازنین قنبری

حدود ۲۰ سالی است که خاک صحنه خورده. سال ۷۰ اولین جایزه‌اش، جایزه اول بازیگری در تئاتر را به خاطر بازی در نمایش «مرگ یزدگرد» گرفت و جایزه گرفتنش همین‌طور ادامه پیدا کرد، آن قدر که با بیشتر از ۱۰ جایزه در تئاتر، برای خودش رکورددار است. پانته آ بهرام در سینما و تلویزیون هم کم نگذاشته، سال ۸۵ برای فیلم بچه‌های ابدی سیمیرغ بلورین نقش مکمل را گرفت و در تلویزیون هم نقش ویژه‌اش (یک دختر معتاد) در سریال «مسافر» حسابی خط قرمزشکن بود. او این روزها می‌خواهد هنرش را در «سگ سکوت» نشان دهد. گپ و گفت ما با بهرام دو روز قبل از اجرای نمایش و روزهای تمرین بود و با او درباره رفت و آمد ستاره‌ها بین سینما و تئاتر گپ زدیم.

در تئاتر ترسناک «سگ، سکوت»

چه خبر است؟

### این خانه لعنتی

«تو هر اتاق این خونه، یکی مرده»؛ این یکی از دیالوگ‌های تئاتر «سگ، سکوت» است تا نشان بدهد خانه قدیمی‌ای که اتفاقات در آن روی می‌دهد چقدر نفرین شده است. تئاتر از جایی شروع می‌شود که دو روح زن و شوهر خبردار می‌شوند پسر نفرین شده و ترسناکشان «عطا» (حامد بهداد) می‌خواهد به خانه پدری برگردد. دیالوگ‌ها و کارهای عطا نشان می‌دهد او از آن دسته آدم‌هایی است که تن ننه و بابا را در قبر می‌لرزاند. عطا با زنش «ماهی» (سارا ریحانی) که باردار است به این خانه برمی‌گردد تا در آنجا وضع حمل کند. او آنجا، خواهر دوقلویش «طوبی» (پانته آ بهرام) را می‌بیند که برعکس خود او، اهل صلح و صفاست. بگویم عطا و طوبی گذشته آنها را رو می‌کند. بعد از مدتی عطا می‌رود و ماهی وضع حمل می‌کند. نوزاد کسی نیست جز «باران کوثری». او در این خانه بزرگ می‌شود. همزمان، قتل عطا و مرگ چند نفر دیگر پای دو کارآگاه (داروش فائزی و حمیدرضا فلاحی) را هم به خانه نفرین شده باز می‌کند؛ خانه‌ای که در آن روح عطا که همان حامد بهداد است که روی سرش جوراب کشیده و چند تا روح دیگر در آن می‌پلکند. صدای زوزه و موسیقی وهم‌انگیز هم به فضا کمک می‌کند. طراحی صحنه تئاتر بیشتر با ترکیبی از پارچه سفید و فضای سیاه صحنه ایجاد شده و ارواح و جن‌ها، زیر پارچه‌ها تردد می‌کنند. سگ، سکوت قصه ثابت دارد ولی با توجه به عکس‌العمل مخاطب در شب‌های قبل، بعضی دیالوگ‌ها عوض می‌شود. اجرای تئاتر ترسناک واقعا کار سختی است. ترساندن مخاطبی که چند متر با سن بیشتر فاصله ندارد آن هم بدون کات دادن تصویر و دور و نزدیک بردن صحنه، کار هر کسی نیست. آنهایی که پایه فیلم‌های ترسناک هستند، می‌دانند که رمز موفقیت فیلم‌های ترسناک، میچ‌گیری، رودست‌زدن به بیننده‌ای که پشت دوربین را نمی‌بیند و به قول معروف «پخی» ترساندن است. راستش رمز تبدیل شدن یک فیلم یا کار ترسناک به یک اثر لوده و خنده‌دار خیلی باریک و لغزنده است. تجربه سگ سکوت می‌تواند تئاتر ما را هم مثل سینمایمان وارد ژانر ترس کند.



در سال‌های دور آن هم به این خاطر که هنر نمایش در فرم‌های کلاسیک غلو داشته است، چنین برداشتی می‌شد، اما الان وقتی تئاتر می‌بینی متوجه می‌شوی چنین چیزی نیست و بازیگران روی صحنه گاه به گاه رنالیستیک‌ترین شکل زندگی می‌کنند نه بازی. اینکس حضور یک بازیگر در تئاتر و سینما با هم تداخل پیدا می‌کند اتفاق عجیبی نیست. درباره خودم این طور است که از سال ۷۸ این تداخل را تجربه کرده‌ام. اولین بار با سریال معروف «مسافر» بود که من همزمان با تصویربرداری سریال، مشغول تمرین در تئاتر بودم و در فستیوالی در کشور آلمان حضور پیدا کرده بودم که زنان هنرمند از ۷۰ کشور دنیا در آنجا جمع شده بودند. به همین خاطر فشار کاری خیلی زیادی را تحمل کردم ولی خدا را شکر، هم مسافر سریال خوبی از آب درآمد و هم من جایزه بهترین بازیگر زن را در جشنواره تئاتر فجر آن سال گرفتم. این قانون که در هر حرفه‌ای باید خیلی تلاش کنی و به مهارت برسی طبیعی است و بازیگری هم از این قاعده مستثنا نیست. خیلی جالب است که همیشه بهترین پیشنهادها در یک زمان واحد اتفاق می‌افتد. من سال‌ها دوست داشتم با آقای مهرجویی کار کنم و همچنین سال‌ها هم دلم می‌خواست کار با دکتر رفیعی را تجربه کنم که این اتفاق امسال افتاد. به همین خاطر نهایت تلاشم را کردم که هر دو را خوب پیش ببرم.

● **سگ سکوت یک تئاتر تجربی است. به این نوع کار علاقه‌مندید؟**  
خیلی زیاد چون کار تجربی لحظه گراست و بیش از انواع دیگر نمایش «آن» خلاقه‌تر و البته کار می‌گیرد و تورا وارد فضای دیگری می‌کند و همان طور که از اسمش مشخص است، هر روز یک چیز جدیدتری را تجربه می‌کنی.

ولی پشیمان و غمگین از صحنه تئاتر بیرون رفتند. ● **پس یک چهره باید قبل از ورود به تئاتر تمرین و یادگیری داشته باشد؟**  
بله، اگر کسی فقط به خاطر چهره بودنش وارد تئاتر شود به چند دلیل با شکست مواجه می‌شود؛ بعد هم اینکه چهره‌اش در تئاتر دیده نمی‌شود و بعد هم شاید تماشاچی به خاطر چهره بیاید ولی همان تماشاچی از سالن که بیرون برود، می‌گوید همان بهتر که فلان بازیگر در سینما باشد. پس چرا آدم باید خودش را در معرض چنین قضاوتی قرار دهد، وقتی از پیش معلوم است؟ یکی می‌خواهد فقط معروف شود که ممکن است خیلی زود این اتفاق بیفتد، یکی هم می‌خواهد پولدار شود که باز هم ممکن است این اتفاق در مدت چهار یا پنج سال بیفتد اما یک نفر می‌خواهد بازیگر باشد و آنقدر عاشق است که دوست دارد جلوی دوربین یا روی صحنه بمیرد. این آدم با همه وجود کار می‌کند و نتیجه‌ای که می‌گیرد، شاید مثل نتیجه‌ای باشد که مرحوم خسرو شکیبایی گرفت.

● **شما به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای تئاتر، چقدر به بهداد در تجربه اولش کمک کردید؟**  
حامد بهداد زمینه‌های کافی را داشت و من فقط انرژی‌اش را در این زمینه‌ها کم و زیاد کردم و با گروه تلاش کردیم که با بدنتش دوست‌تر شود چون کار با بدن به عنوان ورزش با کار با بدن در صحنه فرق می‌کند. کمی هم کمکش کردیم تا او بتواند متمرکزتر کار کند چون نمایش سگ سکوت مبتنی بر تمرکز است و اگر تمرکز را از دست بدهی، همه لحظه‌ها را باختی... بهداد خیلی راحت و بزرگوارانه خودش را به این جریان سپرد، در صورتی که می‌توانست مثل خیلی از سینمایی‌های دیگر باشد که می‌گویند ما چهره‌ایم و همین است که هست، ولی بهداد این جور نبود.

● **شما در چند کار با هم حضور داشتید. این تداخل بازی در تئاتر و سینما کار را برای بازیگر دشوار نمی‌کند؟**  
من به لفظ بازی تئاتری اعتقادی ندارم، شاید

● **شما یکی از بازیگرانی هستی که خیلی زیاد بین سینما و تئاتر رفت و آمد داشتید. ارزیابی خودتان از این تقابل چیست؟**  
تئاتر مقوله‌ای سه هزار ساله است ولی از عمر سینما فقط ۱۰۰ سال می‌گذرد. بنابراین آن روندی که گفتید طبیعی بود. سینما به بازیگر نیاز داشت و این نیاز تنها از طریق تئاتر تامین می‌شد. این اتفاق در بازیگری امروز هم رایج است. بازیگران سینمای ما برای اینکه بدن، کلام و همه قدرت‌های دیگرشان را دوباره باقی کنند به تئاتر می‌آیند و خودشان را محک می‌زنند و زمانی که روی صحنه قدرتمند ظاهر می‌شوند، با اعتماد به نفس بیشتری دوباره جلوی دوربین بازی می‌گردند. همه بازیگران بزرگ جهان هر از چند گاهی به تئاتر می‌آیند و بعد دوباره به سینما برمی‌گردند. الان هم می‌بینم بیشتر بچه‌هایی که از سینما آمده‌اند، زمینه تئاتری داشته‌اند، حتی اگر بازیگر حرفه‌ای تئاتر نبوده‌اند مثل حامد بهداد، شهاب حسینی.

ما در تاریخ تئاترمان بازیگرانی از سینما داشتیم که به صرف چهره بودنشان به تئاتر آمدند و خواستند کار کنند ولی پشیمان و غمگین از صحنه تئاتر بیرون رفتند

● **یعنی شما موافق حضور ستاره‌های سینما در تئاتر هستی یا معتقدید حتما یک بازیگر قبل از حضور روی صحنه باید تجاربی در زمینه تئاتر داشته باشند؟**  
اینکه مسلم است که یک بازیگر برای روی صحنه آمدن باید تمرین داشته باشد. من خودم اگر یک فاصله شش ماهه بین بازی در تئاتر و سینما برابرم به وجود بیاید، باید حتما یک دوره تمرینات بدن و بیان بگذرانم؛ در غیر این صورت بازی‌ام از دست می‌رود. اینکه دوربین با تو دو متر فاصله داشته باشد با اینکه تماشاگر ده یا ۲۰ متر از تو دورتر است خیلی فرق می‌کند. تو چاره‌ای نداری و باید بیانت را قوی کنی و انرژی‌ات را بیشتر کنی. باید حافظه‌ات را برای حفظ کردن متن‌های طولانی تقویت کنی و خیلی کارهای دیگر. تئاتر یعنی بکارگیری تمام امکانات بشر از انگشت پا گرفته تا تار مو. ما در تاریخ تئاترمان بازیگرانی از سینما داشتیم که به صرف چهره بودنشان به تئاتر آمدند و خواستند کار کنند